مادران

چهارده معصوم (ع)

حیدر مظفری (ورسی)

Scanned with CamScanner

فصل پنجم

شهربانو

مادر امام سجاد علیه‌السلام

Scanned with CamScanner

مقدّمه

در فتوحات ایران، شهربانو به دست مسلمانان اسیر شد و در مدینه به عقد امام حسین علیه‌السلام در آمد. شهربانو دارای طهارت نفس و صفای باطن بود. خداوند متعال او را از بلایا حفظ کرد تا به مدینه برسد و با امام حسین علیه‌السلام ازدواج کند و فرزندی مانند سیّدالساجدین علیه‌السلام به دنیا آورد که جهان از شعاع نورش روشن گردد. این افتخار و شایستگی نصیب این بانوی ایرانی گردید که ۸ امام از نسل امام سجاد علیه‌السلام و نوادگان آن بانوی بزرگوار باشند.

نام‌ها و لقب‌ها

محدثان و مورخان برای مادر بزرگوار امام سجاد علیه‌السلام نام‌های فراوانی ذکر نموده‌اند که عبارت است از: شهربانو، شاه‌زنان، جهان بانو، شهربانویه، جهان شاه، حرار، سندیه، سلامه، سلافه، خوله و غزاله[۱]. علامه مجلسی می‌گوید: نام مادر امام سجاد علیه‌السلام بنابر نظر مشهور، شهربانو دختر یزدجرد بن شهریار پادشاه عجم است.[۲] در صحیفهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام، که نام تمام امامان و مادرانشان در آن آمده، نام مادر امام سجاد علیه‌السلام، شهربانو آمده است[۳]. یوسف بن حاتم شامی می‌گوید: مادر امام سجاد علیه‌السلام، دختر یزد جرد، دارای نسب معروف و بهترین زن عصر خود بود[۴]. امیرالمومنین علیه‌السلام او را مفتخر به لقب مریم یا فاطمه علیهاالسلام نمود؛

---

۱. الارشاد، ص ۴۹۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۵؛ دلائل الامامه، ص ۱۹۴؛ أعلام الوری، ص ۲۵۶ و الفصول المهمة؛ ص ۱۹۹.

۲. جلاء العیون، ص ۸۳۱

۳. ملحقات الحاق الحق، ص ۱۷.

۴. الدرّ النظیم، ص ۸۱.

زیرا او از زشتی‌ها پاک بود و مانند مریمؑ فرزندی، زاهد و عابد داشت و نزد زنان، معروف به سیدهٔ زنان بود[۱].

شهربانو کیست؟

گروهی وی را دختر یزدجرد، برخی دختر کسری، بعضی دختر سبحان الملک و برخی دختر ملک هرب دانسته‌اند[۲].

مورخان دربارهٔ زادگاه مادر امام سجادؑ نیز اختلاف نظر دارند. بنابر نظر مشهور، او ایرانی است. برخی او را کابلی و برخی سندی دانسته‌اند. یعقوبی می‌نویسد: نام مادر امام سجادؑ، حرار بود. امام حسینؑ او را غزاله نامید. گفته شده که مادرش از اسیران کابل بود.[۳] یکی از نویسندگان لبنانی می‌گوید:یزدگرد از مدائن که در قسمت غربی ایران واقع است، به طرف کابل رهسپار گردید تا در آن جا از آبادی و سرسبزی کابل استفاده کند. در این سفر، یزدگرد دختران خود را نیز همراه خود برد. پس از مدتی، سپاهیان عرب به کابل حمله کردند و برخی قلعه‌های کابل را فتح کردند. یزدگرد دار فانی را وداع گفت و دخترانش اسیر شدند.[۴] نیز نوشته‌اند: نام مادر امام سجاد، غزاله و به قول صحیح‌تر، شهربانو بود. پدرش در هرات از لشکر اسلام شکست خورد و به آسیابی گریخت. آسیابان، شبانه سر وی را جدا کرد و دخترش اسیر شد.[۵]

---

۱. مناقب، ج ۴، ص ۱۹۰.
۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۹ و الرحم الطیب، ص ۴۰.
۳. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
۴. زندگانی امام زین العابدین، ص ۱۰.
۵. خلاصة البیان فی احوال شاه زنان، ص ۱۳۰.

Scanned with CamScanner

نیز نوشته‌اند: مادر امام سجاد، سندی بود.[۱]

راه‌یابی به مدینه

دربارهٔ این که شهربانو چگونه و در زمان کدام خلیفه به اسارت مسلمانان در آمد و به مدینه راه یافت، نظرهای مختلفی وجود دارد. بعضی روایات، اسارت او را در زمان خلافت عمر و بعضی در زمان خلافت عثمان و بعضی در زمان خلافت امیرالمؤمنین دانسته‌اند. اینک سه روایتِ مختلف را در این زمینه می‌آوریم.

۱. اسارت در زمان عمر

بنابر نقل ابن جریر طبری و قطب راوندی، امام‌باقر فرمود: زمانی که دختر یزدجرد بن شهریار، آخرین پادشاه عجم، را به مدینه آوردند تمام دختران مدینه به تماشای جمال او بیرون آمدند و مسجد از شعاع روی او روشن شد. عمر اراده کرد روی او را ببیند، اما او مانع شد و گفت: سیاه باد روز هرمز[۲] که تو دست به فرزند او دراز می‌کنی. عمر گفت:این گبرزاده مرا دشنام می‌دهد. عمر خواست او را آزار بدهد، که حضرت علی به او فرمود: تو که فارسی نمی‌دانی چگونه دانستی که دشنام است؟! عمر امر کرد نداکنند درمیان مردم که او را بفروشند.

امیرالمومنین به او گفت: پیامبر فرمود: بزرگان هر قوم را گرامی بدارید. عمر گفت: من هم از پیامبر شنیدم که فرمود: هر وقت بزرگی از یک قوم بر شما وارد شد گرامی بدارید او را، گرچه با شما مخالفت بکند.

---

۱. مرآة‌الجنان، ج ۱، ص ۹۰.

۲. مراد وی این بود که اگر پدربزرگش خسرو پرویز دعوت پیامبر را قبول می‌نمود، امروز نوادگانش به اسارت نمی‌رفت.

Scanned with CamScanner

عمر گفت: پس با او چه کنم؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: او را واگذار که با یکی از مسلمانان ازدواج کند و مهر او را از سهم بیت‌المال حساب کن. من خدا و شما حاضران را شاهد می‌گیرم که سهم خود را از این اسیران آزاد کردم. بنی هاشم، مهاجران و انصار سهم خود را به آن حضرت بخشیدند. عمر گفت: علی، من نیز سهم خودم را به تو بخشیدم. حضرت علی علیه‌السلام همهٔ اسیران را در راه خدا آزاد کرد.[۱]

۲. اسارت در زمان عثمان

سهل بن قاسم نوشجانی می‌گوید: حضرت رضا علیه‌السلام به من فرمود: می‌دانی که بین من و شما یک نسبت برتر است؟ من عرض کردم: ایها الامیر، آن نسبت چیست؟ آن حضرت فرمود: عبدالله بن عامر بن کریز، خراسان را فتح کرد و دختر یزدجرد بن شهریار، پادشاه عجم، را به‌اسیری گرفت و نزد عثمان بن عفان فرستاد. عثمان یکی از آنان را به حسن علیه‌السلام و دیگری را به حسین علیه‌السلام بخشید و این دو دختر نزد آن دو بزرگوار بودند. آن دختر که همراه امام حسین علیه‌السلام بود، در نفاس علی بن حسین علیهما‌السلام از دنیا رفت.[۲]

۳. اسارت در زمان امیرالمؤمنین

حریث بن جابر حنفی، کارگزار حضرت علی علیه‌السلام در یکی از نواحی مشرق، دو دختر یزدجرد را به حضور حضرت علی علیه‌السلام فرستاد. آن حضرت، شاه‌زنان را

---

۱. دلائل الامامه، ص ۱۹۴؛ الخرائج والجرایح، ص ۵۲۸؛ نورالابصار، ص ۲۸۱؛ الدرّ النظیم، ص ۵۸ و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۵.

۲. عیون اخبار الرضا، ص ۳۶۹؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۸۲؛ تنقیح المقال، ج ۳، قسم ۲، ص ۸۰ و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸

به فرزندش حسین‌علیه‌السلام بخشید و از او حضرت سجادعلیه‌السلام متولد شد و دیگری را به محمد بن ابی بکر بخشید و قاسم بن محمد از او به دنیا آمد. بنابراین، امام سجادعلیه‌السلام و قاسم، پسرخاله‌اند.(۱)

تفاوت زمانی در این روایات و ناسازگاری بعضی از آنها با تاریخ فتوحات اسلامی و انقراض سلسلهٔ ساسانی، سبب شده است که اخیراً نسب و زمان اسارت شهربانو و ازدواج امام حسین با زنی ایرانی به نام شهربانو مورد اختلاف و گفت وگوی فراوان واقع گردد.(۲)

به نظر می‌رسد روایت اسارت شهربانو در زمان عثمان، که شیخ صدوق نقل نموده، قابل اعتماد می‌باشد؛ زیرا شیخ صدوق مورد اعتماد همهٔ علمای شیعه است و این روایت وی با نظر مسعودی که قتل یزدجرد را در سال ۳۱ هـ.ق، در زمان خلافت عثمان دانسته است،(۳) سازگاری دارد.

علامه مجلسی دربارهٔ روایت اسارت شهربانو در زمان عمر، می‌گوید: این خبر بعید است صحّت داشته باشد، زیرا اسارت خاندان یزدجرد بعد از قتل او و در زمان خلافت عثمان واقع شده است، نه در زمان خلافت عمر. افزون بر آن، همه پذیرفته‌اند که ولادت امام سجادعلیه‌السلام در سال ۳۸ هـ.ق. واقع شده است. بعید است شهربانو از زمان عمر تا سال ۳۸ هـ.ق. باردار نشده باشد(۴).

---

۱. الارشاد، ص ۴۹۲؛ روضة الواعظین، ص ۱۷۲؛ اعلام الوری، ص ۲۵۶ و الدرّ النظیم، ص ۵۷۹.
۲. ر.ک: زندگانی علی بن حسین، ص ۲۵ و خلاصة البیان فی احوال شاه‌زنان، ص ۲۵.
۳. مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۰.
۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰.

Scanned with CamScanner

خواب ملکوتی شهربانو

شهربانو می‌گوید:قبل از آمدن لشکر اسلام، در خواب دیدم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام داخل خانهٔ ما شد و مرا برای امام حسین خواستگاری کرد و پدرم مرا به ازدواج او درآورد. شب بعد، حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دیدم که نزد من آمد و اسلام را بر من عرضه کرد و من در خواب، به دست آن حضرت مسلمان شدم.سپس فرمود: لشکرمسلمانان به این زودی بر پدر تو چیره خواهند شد وتو را به اسیری می‌گیرند و به زودی به فرزندم می‌رسی، و خدا نخواهد گذاشت که کسی دست به تو رساند تا آن که به فرزندم برسی.شهربانو در ادامه گفت: خدا مرا حفظ کردکه هیچ کس به من دست نزند تا آن که مرا به مدینه آوردند.(۱)

پرسش علی علیه السلام و جواب شهربانو

شهربانو را به عنوان اسیر به مدینه آوردند. حضرت علی علیه السلام از او پرسید: از پدرت در حادثهٔ فیل سواران چه سخنی را به یاد داری؟ شهربانو گفت: به خاطر دارم که پدرم در آن هنگام می‌گفت هر گاه ارادهٔ خداوند در چیزی غالب شد همهٔ آرزوها در برابر آن خوار و ناکام می‌گردد و هرگاه مدت عمر و شوکت به پایان رسید مرگ خواهد برسد و چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر آن نیست. حضرت علی علیه السلام فرمودد: پدرت چقدر نیکو سخن گفته است. همهٔ مقدرات الهی بر تدبیر و

---

۱. الخرایج والجرایح، ص ۵۲۹؛ جلاالعیون، ص ۸۳۳؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱ و منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۳۱.

Scanned with CamScanner

خواهش‌های انسان، پیروز می‌گردد.(۱)

ازدواج

بنا به پیشنهاد امیرالمؤمنین علیه السلام، دختر یزدجرد از فروش رهایی یافت و قرار شد یکی از جوانان مسلمان را، آزادانه به همسری خود بپذیرد. عده‌ای از جوانان خواهان ازدواج با او بودند. امیرالمومنین علیه السلام از شهربانو سؤال کرد: آیا قصد ازدواج داری؟ شهربانو سکوت کرد. حضرت علی علیه السلام فرمود: وی اراده و قصد دارد، فقط مانده‌است که چه کسی را اختیار نماید.

از حضرت علی علیه السلام سؤال شد:از کجا دانستید که قصد شوهر کردن را دارد؟ آن حضرت فرمود:روش پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین بود که هر وقت دختری را نزد آن حضرت می‌آوردند تا او را به ازدواج کسی در آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله از دختر می‌پرسید: آیا راضی به شوهر کردن هستی؟اگر آن دختر به واسطهٔ شرم و حیا، سکوت می‌نمود پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت او را نشانهٔ رضایتش می‌دانست.

حضرت علی علیه السلام از شهربانو سؤال کرد: کدام یک از خواستگارانت را انتخاب می‌نمایی؟شهربانو امام حسین علیه السلام را انتخاب نمود.برای بار دوم به او اجازه داده شد که کسی را انتخاب نماید. شهربانو باز هم امام حسین علیه السلام را انتخاب کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام به شهربانو فرمود: چه کسی را ولیّ خود قرار می‌دهی؟ او عرض نمود: شما را. امیرالمؤمنین علیه السلام به حذیفه دستور داد خطبهٔ عقد را بخواند. او نیز خطبهٔ عقد را خواند.(۲)

۱.الارشاد، ص ۱۶۰.

۲. دلائل الامامه، ص۱۹۵؛ مناقب، ج ۴، ص۵۵ و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱.

Scanned with CamScanner

سفارش علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام

امیرالمومنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود:

فرزندم، قدر این زن را نگهدار و از او محافظت کن و نیکی نما؛ که به زودی بهترین فردِ زمانش را بعد از تو، که سید عرب و عجم خواهد شد، به دنیا خواهد آورد.[۱]

بازتاب ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو

اعراب، ازدواج با کنیزان و غیر عرب را برای خود ننگ و عار می‌دانستند. ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو بازتاب خوبی جهت از بین بردن این تعصّبات خشک و بی‌روح داشت. یعقوبی در این باره می‌گوید: موقعی که امام حسین علیه السلام با شهربانو که کنیزی از عجم بود، ازدواج نمود و امام زین العابدین علیه السلام از وی به دنیا آمد، عرب‌ها متوجّه کمال و منزلت و برازندگی ذاتی او شدند و آرزو می‌نمودند که ای کاش مادر آنان نیز کنیز می‌بود و بعد از آن به ازدواج با کنیزان رو آوردند.[۲] مردی از قبیلهٔ قریش که مادرش کنیز بود، می‌گوید: روزی دوستم، سعید بن مسیّب، به من گفت: دایی‌های تو کیستند؟ گفتم: مادر من کنیز است.سعید با شنیدن این سخن، از من روی گرداند و در نظرش کوچک آمدم. روزی نزد سعید بودم که امام سجاد علیه السلام وارد شد. سعید با نهایت احترام و تعظیم، با او برخورد کرد. وقتی

---

۱. احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۶ و الخرائج والجرایح، ص ۵۲۹.
۲. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.

Scanned with CamScanner

آن حضرت تشریف بردند، به سعید گفتم: سعید، این مرد که بود؟ سعید گفت:او کسی هست که هیچ مسلمانی نیست که او را نشناسد.او علی ابن حسین ﷺ است. پرسیدم: مادرش کیست؟گفت:مادرش کنیز است.به سعید گفتم: پس چرا وقتی به تو گفتم مادرم کنیز است، از نظرت افتادم؟سعید فوراً به اشتباه خود پی برد.[۱]

آسمانی‌ترین بانوی پارسی

دختر یزدجرد در خانهٔ پدر دارای عزت و شرف بود، ولی در دوران اسارت احترام او رو به افول گذاشت. خداوند چنین مقدر نمود که او در سرزمین غربت، در دوران اسارت، عزت و شکوهِ پیشین؛ بلکه هزاران بار فراتر از آن، را به دست آورد و به مقام پر افتخار همسر امام و مادر امام دست یابد. از این رو، حضرت علی ﷺ درباره‌اش فرمود: «هی أم الأوصياء الذرية الطيبة»[۲]؛ «او مادر اوصیا از ذریهٔ پاک است.»

شهربانو اولین زن پارسی بود که افتخار ورود به خاندان نبوت را پیدا کرد و مادر امام معصوم گردد؛ زیرا پیش از او، مادران امامان معصوم، همگی از عرب و از تبار هاشم بودند.

امام حسین ﷺ پنج بار ازدواج کرد. اولین زن آن حضرت، شهربانو بود.[۳] بنا به نظر شیخ مفید، علی ملقّب به زین العابدین، نخستین پسر امام حسین ﷺ و

---

۱. الکامل، ج ۲، ص ۴۹۲

۲. الخرائج والجرایح، ص ۵۲۹ و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱.

۳. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۲۴.

Scanned with CamScanner

شهربانو است. بنابراین، او از حضرت علی اکبر علیه‌السلام بزرگ‌تر است.[۱]

تنها فرزند شهربانو، امام سجاد علیه‌السلام، در مدینه، در خانهٔ حضرت فاطمه علیهاالسلام قدم به جهان نهاد[۲] و سلسلهٔ امامت از نسل فرزند همین بانو امتداد یافت.

وفات

از تاریخ ولادت، ازدواج و درگذشت شهربانو اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابر نظر مشهور، تنها بانوی آسمانیِ پارسیان در سال ۳۸ ه.ق. در نفاس تولد امام سجاد علیه‌السلام رحلت نمود. آسمانی‌ترین مادر پارسی نتوانست بیش از ده روز، سیمای پرفروغ آسمانی‌ترین نوازد سال ۳۸ هجری را ببیند و آفتاب عمرش غروب کرد.[۳]

بر خلاف نظر مشهور، برخی مورخان، مانند ابن سعد و ابن خلکان ـ از مورخان اهل سنت ـ می‌گویند: مادر امام سجاد علیه‌السلام پس از شهادت شوهرش، امام حسین علیه‌السلام، زنده بود و امام سجاد علیه‌السلام بعد از شهادت پدرش، او را به همسری زبید درآورد.روی این جهت بود که عبدالملک بن مروان امام را سرزنش نمود و امام سجاد علیه‌السلام برای او نوشت: ﴿**لقد كان لكم فى رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله أُسوة حسنة**﴾.[۴]

ابن شهر آشوب، به نقل از **مقتل ابو مخنف** می‌نویسد: «**جاؤ بالحرم أُسارى الا شهربانويه فانها اتلفت نفسها فى الفرات**[۵]»؛ تمام اهل حرم را به اسارت بردند مگر شهربانو که خود را به آب فرات انداخت و هلاک نمود.

---

۱. الارشاد، ص ۴۹۱.
۲. دلائل الامامه، ص ۸۰.
۳. الارشاد، ص ۴۹۲؛ تاریخ قم، ص ۱۶۹ و عیون اخبار الرضا، ص ۱۲۸.
۴. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۲۶۹؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۱۱.
۵. مناقب ابن شهر، ج ۴، ص ۱۲۱.

Scanned with CamScanner

در **اصول کافی**،باب محدث بودن ائمه، آمده است: «عبدالله بن زید[۱] برادر مادریِ علی(امام سجادعليه‌السلام) است.» کمره‌ای ـ مترجم اصول کافی ـ در توضیح آن می‌نویسد: عامه گفته‌اند: عبدالله بن زید برادر مادریِ امام چهارم است؛ ولی طبق عقیدهٔ شیعه، امام چهارم از دختر یزدجرد است و مادرش بعد از زایمان، وفات کرد و آن حضرت برادرِ مادری نداشت[۲].

حضرت رضاعليه‌السلام فرمود: مادر امام زین العابدینعليه‌السلام در نفاس از دنیا رفت و بعضی از کنیزان امام حسینعليه‌السلام، علی بن حسینعليه‌السلام را بزرگ کردند. امام زین العابدینعليه‌السلام کنیزی را که دایه‌اش نیز بود، به ازدواج غلامِ خود درآورد؛ ولی مردم گمان کردند آن بزرگوار مادر خود را به ازدواج غلام خود درآورده است.[۳]

آرامگاه

بنابر نظر برخی مورخان، شهربانو در کوفه دنیا را وداع گفت و بنابر نظر بعضی، در مدینه. این اختلاف از اختلاف مورخان در مورد محل تولد زین العابدینعليه‌السلام ناشی شده است ؛ زیرا بنابر نظر مشهور، شهربانو در نفاس فرزندش از دنیا رفت. یکی از نویسندگان معاصر دربارهٔ مکان تولد امام زین العابدینعليه‌السلام می‌نویسد: به نظر من، آن حضرت در کوفه به دنیا آمد، زیرا راویان و مورخان اتفاق نظر دارند که آن حضرت دو سال پیش از وفات جدش، امیر المؤمنینعليه‌السلام، به

---

۱. در مدارک عامه، مانند **الطبقات والوفیات**،از همسر شهربانو به نام زبید یاد شده و فرزندی به نام عبدالله نیز برای او ذکر شده است. ممکن است در نسخهٔ **کافی**،زبید به زید تحریف شده باشد.

۲. **اصول کافی**، ج ۲، ص ۳۸.

۳. **عیون اخبار الرضا**، ص ۳۶۹ و **اثبات الوصیة**، ص ۳۱۸.

Scanned with CamScanner

دنیا آمده است. بدیهی است که امام حسین‌علیه‌السلام و خانوادهٔ آن حضرت همراه امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در کوفه بوداند و هیچ یک از آنان در طول خلافت آن حضرت، در مدینه اقامت نداشتند.[۱] بنابراین، آرامگاه شهربانو در کوفه است؛ زیرا او در نفاس ولادت امام سجادعلیه‌السلام، وفات یافت.

در بسیاری از منابع، آمده است امام سجادعلیه‌السلام در مدینه به دنیا آمد و مادرش در نفاس تولد او، در مدینه وفات یافت و به خاک سپرده شد.[۲]

۱.حیاة‌الامام‌سجاد، ج ۱، ص ۵۳.
۲-الارشاد، ص ۴۹۲؛ فصول‌المهمه، ص ۲۰۱ و کشف‌الغمه، ج ۱، ص ۷۳.

Scanned with CamScanner